

آینهٔ خواص
صمصعهبن‌صوحان-۱
مورد اعتماد حضرت علی(ع)
تائکون درباره زندگی زیدبن‌صوحان سخن گفته شد، اینک زندگی یکی دیگر از فرزندان صوحان و برادر زید، یعنی صمصعه مرور می‌شود. نسب صمصعه را چنین گفته‌اند:بن‌صوحان بن‌حجر بن‌الهیجرس بن‌عجل بن‌عمرو بن‌دیع‌بن‌لکبیز بن‌فصی بن‌عبدالقیس. نسبتش با پانزده واسطه، به «عبدالقیس» از بزرگان قبیله «ربیع» می‌رسید و از همین سبب به‌او «صمصعهبن‌صوحان عبدی» گفته‌اند. این طایفه عموماً در کوفه زندگی می‌کردند. صمصعه نیز اهل کوفه بود و در یکی از محله‌های اطراف آن روزگار می‌گذراند.
خطیبی فصیح، خوش‌بین، فاضل، متدین و از اصحاب خاص امیرمؤمنان علی(ع) بود. کنیه‌اش را اباعمره و همچنین اباطلحه ثبت کرده‌اند.

مقاله حصالات، زید، عبدالله، سیحان و صمصعه چهار فرزند صوحان چنانچه پیشتر درباره زید دیده شد، فضایی آکنده از عشق امام علی(ع) در این خاندان را به تصویر می‌کشد. تنها در جنگ جمل، سه‌ برادر (صمصعه، زید، سیحان) حضور داشتند و سیحان پرچمدار بود. وقتی او به شهادت رسید، زید پرچم را به دست گرفت و چون شهید شد، صمصعه پرچم را برافراشته نگه داشت. فصاحت و بلاغت ویژگی دوم این خاندان بود.

صمصعه نیزه همانند برادرش به شدت عاشق و شیدایی امیرالمؤمنین(ع) بود، به طوری که گفته شده، علی(ع) جاهه، قنوت و اموال زیادی وقف محرومان کرد. هنگامی که وقفنامه می‌نوشت، عده‌ای را شاهد می‌گرفت و صمصعهن‌صوحان از جمله آن شاهدان بود که نشان از اعتماد حضرت به او دارد و این رفتار نشان می‌دهد که شیعه نیز باید به او اعتماد داشته باشد؛ چراکه وقتی حضرت کسی را به عنوان شاهد خود برمی‌گزیند، بر عدالت گفتار و رفتار او مهر تأیید می‌زند، چون از شرایط مهم شاهد، عدالت است.

در روایتی از امام صادق(ع) نقل شده است که ایشان درباره صمصعه فرمود: «هیچ‌یک از همراهان علی(ع) حق آن حضرت را شناخت، مگر صمصعه و یاران صمصعه.»

در اینکه صحابی پیامبر(ص) به چه کسی گفته می‌شود، نظریه‌های گوناگونی وجود دارد. چنانچه صحابی آن حضرت را کسی بدانیم که از ایشان حدیث نقل کرده، یا در غزوات شرکت داشته است، صمصعه جزء اصحاب نخواهد بود؛ زیرا وی در آن زمان خردسال بود.

دانشمندان رجال و حدیث شیعه و سنی و او را صحابی خاص علی(ع) و متدین و متدین توصیف کرده‌اند علامه‌حلی (۷۲۶ م) او را فردی موقئ می‌داند و می‌گوید: «و عظیم‌القدر و از اصحاب علی(ع) است.» ذهبی (۷۴۸ م) دانشمند نقاد اهل‌سنت، پس از آنکه از صمصعه بسیار تمجید می‌کند، می‌نویسد: این سعد و نسایی نیز وی را جلیل‌القدر می‌دانند، ولی جوانی، صمصعه را جزء افراد ضعیف در نقل حدیث و از جمله خوارج می‌داند و این غلط است.

یادداشت

نسبت سپاه با جهاد کبیر

علیرضا جلالیان رهبر معظم انقلاب همواره طی سخنرانی‌های خودشان در یک خط سیر اندیش‌های مبتنی بر اصول قرآنی، به تبیین روش دشمن، دشمن‌شناسی و ارائه راهبردهای مقابله با آن می‌پردازند. این نمونه آن در سوم خرداد امسال بود که ایشان در جمع جوانان پاسدار آینده‌ساز سپاه و انقلاب، با برشمردن یکی از ابواب جهاد اصغر در قرآن با نام جهاد کبیر، این نوع جهاد را تبعیت نکردن از دشمن و بهره‌گیری از دین و قرآن برای اداره جامعه و توکل به خدا در این مسیر دانستند. جهاد کبیر وظیفهٔ احاد افراد جامعه اسلامی است، اما آنچه سپاه را در این زمینه خاص موظف به انجام آن کرده است، پیشرو بودن این نهاد در این جهاد است. سپاه سازمان یا نهادی جهادی است و الزام همراهی جهاد اکبر با جهاد اصغر در این سازمان جهادی الزام حیاتی است که این مسئله را امروزه با «نقش معنویت» در انجام مأموریت‌ها تبیین می‌کنند. با توجه به مأموریت ویژه سپاه در پاسداری از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن وظیفه سنگینی برعهده پاسداران گذاشته شده است؛ از این رو سپاه تنها یک سازمان نظامی نیست، بلکه جهادی است و در کنار ساختار نظامی خود ساختارهای دیگری هم دارد. همین امر سبب شده است تا در صدور انقلاب اسلامی با دیپلماسی نهضتی عمل کند. در حوزه اقتصاد مقاومتی نیز با عمل جهادی به وسیله توان قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) و بسیج سازندگی در حوزه زیرساختی، محرومیت‌زدایی و اشتغال‌زایی عمل کند و همین‌طور در سایر حوزه‌ها. اما نقش سپاه در مسئله جهاد کبیر به ویژه در جمهوری اسلامی چیست؟ آنچه برمی‌آید، این است که امام خمینی(ره) پس از انقلاب اسلامی سه نهاد جدید را در کشور تأسیس کردند و مابقی سازمان‌ها در تداوم همان سیاست‌ها و کارکردهای پیش از انقلاب عمل کردند که این سه نهاد انقلابی عبارتند از: کمیته انقلاب، جهاد سازندگی و سپاه. متأسفانه، امروز تنها از جمع این نهادها باقی مانده است؛ یعنی جمهوری اسلامی پس از انقلاب اسلامی تنها توانسته در سطح بالای حاکمیت با در اسر قرار گرفتن ولی فقیه و انتخابات ریاست جمهوری، ساختار سیاسی را در رأس تغییر دهد؛ اما تمام ساختارهای پیش از انقلاب به جز نیروهای مسلح کماکان به همان شکلی که غربی‌ها طراحی کرده‌اند، ادامه حیات داده و حتی با همان منطق غربی‌ها به روز شده است. اینجاست که سلاح تهاجم فرهنگی، تحریم اقتصادی، جنگ نرم و نفوذ برای دشمن کارساز شده؛ لذا سپاه می‌تواند مناسب‌ترین و بهترین نهاد برای عمل در عرصه جهاد کبیر باشد و الگویی در این زمینه ارائه دهد. کشور در مسیر مراحل تکوین انقلاب اسلامی که رهبر معظم انقلاب تبیین فرمودند، باید در مرحله دولت‌سازی اسلامی باشد تا به کشور اسلامی و جامعه اسلامی برسد که این امر تنها با جهاد کبیر و الزامات آن محقق می‌شود. ساختار مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، علوم انسانی اومانیستی، ساختار اقتصادی لیبرالیستی بانک‌محور و ربا مینا، دیوان‌سالاری ناکارآمد، مفاسد اقتصادی و همه رهاورد تبعیت از الگوی کفران(لیبرالیسم) بوده‌است که متأسفانه عمده دولت‌ها و سیاستگذاران برای رهایی از این معضل اقدام عملی نداشته‌اند به این ترتیب امروز تنها سپاه و نیروهای جهادی به سبب مولود انقلاب بودن می‌توانند پیشین‌از امر شوند و الگویی برای تمام کشور باشند.

در ماه مبارک رمضان، خداوند، میزبان و روزه‌دار، مهمان اوست و در اینکه خداوند بهترین میزبان است، تردیدی نیست. ششکی نیست که جنس پذیرایی خداوند از روزه‌دار، با پذیرایی بندگان از یکدیگر متفاوت است. آنجا که گرسنگی، سرچشمه برکات جسمانی و روحانی است و سلامت جسم و روح روزه‌دار را تضمین می‌کند. ماه مبارک رمضان، بهترین فرصت برای آزادی و رهایی است. آنکه در اسارت خواسته‌های نفس و زیاده‌خواهی‌های آن به سر می‌پرد، آزاد نیست. ماه رمضان، ماه آزادپروری است؛ زیرا بیشترین تأثیر را در رهایی انسان از دام هواهای نفس دارد.

البته آزاد شدن از دشمن بیرونی، چندان مهم نیست. آنچه مهم است، آزاد شدن از دشمن درونی است. راه تشخیص اینکه شخص، بنده است یا آزاد نیز این است که اگر به دلخواه خود عمل می‌کنیم، معلوم می‌شود در قفس هوای نفس و آز و طمع زندانی هستیم و اگر به خواسته خدای سبحان عمل کنیم، آزاد هستیم. از برجسته‌ترین وظایف در ماه مبارک رمضان، آزاد شدن و رهیدن است. راه آزادی نیز استغفار و طلب آموزش است. کسانی که گرفتار اسارت نفس هستند، هم به ماندن در دنیا میل دارند و هم از رها شدن می‌ترسند. اسلام این دو اصل را محکوم و دو اصل دیگر را جانشین آن کرده است: یکی اینکه به طبیعت دل نبندید و دیگری آنکه از ماورای طبیعت ترسید و ماه مبارک رمضان، یکی از بهترین فرصت‌هاست که اصل آزادی تحقق یابد و انسان روزه‌دار در مقام والای آزادی و در جمع آزادگان راه یابد.

ماه رمضان: بهار با قرآن

قرآن، روح ماه رمضان است که در کالبد آن دمیده شد و ارزش و عظمت آن را چند برابر کرده است. قرآن، قلب ماه رمضان است که بدون این قلب و ضربان آن، جوهره حقیقت در رگ‌های حیات معنوی روزه‌داران به جریان نمی‌افتد. قرآن بهار دل‌ها و ماه رمضان، بهار قرآن است. چنانکه امام باقر(ع) می‌فرمایند: «لَکَلِّ شَیْءٍ رُبِیعٌ وَ رُبِیعُ الْقُرْآنِ شَهْرُ رَمَضانَ»؛ برای هر چیز بهاری است و بهار قرآن ماه رمضان است.

امیر مؤمنان علی(ع) در شأن قرآن می‌فرمایند: «وُ تَقَوُّوا فِیهِ فِئَهِ رُبِیعِ الْقُلُوبِ»؛ در قرآن بیندیشید که بهار قلب‌هاست.

و نیز باید توجه داشت که مطابق فرموده امام صادق(ع): «وُ قَلْبُ شَهْرٍ رَمَضانَ لَیْلَةُ الْقَدْرِ»؛ شب قدر، قلب ماه رمضان است. از

این رو باید گفت که بخش اعظم برکات ماه رمضان، درباره قرآن است. در این ماه باید بذر دستوره‌های نورانی قرآن را در مزرعه دل‌ها بکاریم تا رشد و نمو کند و سرانجام میوه قرآن را در این ماه برای غذای روح برگیریم و قوت قلبمان را در پرتو برکات قرآنی بیمارستان علوم پزشکی بقیه‌الله‌الاعظم(عج) برای دهمین سال متوالی توانست گواهینامه اعتباربخشی درجه یک عالی را کسب کند. به همین دلیل مراسم جشنی با حضور سردار سلامی جانشین فرمانده کل سپاه، فرماندهان حوزه بهداشت و درمان، کارکنان، پزشکان، استادان و دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله‌الاعظم(عج) در تالار همایش‌های مجتمع فرهنگی بقیه‌الله برگزار شد. در ادامه گزارشی از این مراسم ارائه خواهد شد.

ایرانی‌ها منشأ پیشرفت‌ها بودند

جانشین فرمانده کل سپاه در جایگاه سخنران اصلی در این مراسم کسب رتبه عالی بیمارستان بقیه‌الله‌الاعظم(عج) برای دهمین سال متوالی را نشان افتخاری بر سینه سپاه دانست. سردار حسین سلامی با تأکید بر اینکه بسیاری از پیشرفت‌های علمی جهان منشأ و ریشه ایرانی و اسلامی دارند، گفت: «توسعه و گسترش دانش امروز ما در زمینه‌های مختلف از جمله هسته‌ای، نانو، بیوش، ماهواره و موشکی اعجاز نیست؛ بلکه این ظرفیت و استعداد از قرن‌ها پیش وجود داشته و ما در مسیر بازیابی آن قرار داریم.» وی هدف اصلی انقلاب اسلامی را بی‌ریزی یک تمدن نوین و احیای مجد و عظمت ایران و اسلام عنوان کرد و اظهار داشت: «پیش از وقوع رنسانس نیز ایران و اسلام ایفاگر نقش برجسته‌ای در تمدن جهان بوده‌اند، به‌گونه‌ای که حتی می‌توان اعلام کرد که رنسانس بر پایه پیشرفت و شکوفایی علمی اسلام و ایران شکل گرفت.»

سردار سلامی با بیان اینکه باید به نقطه مرجع علمی جهان دست یابیم و همه پیشرفت‌ها براساس پیشرفت ما اندازه‌گیری شود،

آیت‌الله علیرضا اعرافی

ماه رمضان ماه انس با قرآن است

این ماه بیمه نماییم که چنین بهره‌برداری جز از راه اُنس حقیقی با قرآن به دست نخواهد آمد.

اُنس با قرآن

امیر مؤمنان علی(ع) فرمود: کسی که با تلاوت قرآن، اُنس و الفت گرفت، از جدایی دیگران به وحشت نمی‌افتد.

اُنس در اصل به معنای خو گرفتن و همدن شدن است، مانند اُنس کودک شیرخوار به سینه مادر. گاهی اُنس آن چنان شدید و



سرسشار است که بیشتر از اُنس کودک شیرخوار به سینه مادرش است، چنانکه امیر مؤمنان علی(ع) در برابر منافقان کوردلی که او را به مرگ تهدید می‌کردند، می‌فرمایند: سوگند به خدا علاقه فرزند ابوطالب به مرگ (شهادت) از علاقه کودک شیرخوار به پستان مادرش بیشتر است. عارف حقیقی کسی است که با خدا و کلام او چنین انس و الفتی داشته باشد، که امیر مؤمنان علی(ع) در توضیح آیه «یا ایُّها الْإِنْسَانُ ما غَرَّبَ بِرَبِّکَ الْکَرِیمِ»؛ ای انسان چه چیز تو را به پروردگارت مغرور ساخته است، می‌فرماید: «وَكُنْ لِلَّهِ مُطِيعًا وَ یَذِکْرُهْ اِنْسَاءُ»؛ مطیع خداوند باش و به یاد خدا انس بگیر.

بنا بر این مفهوم انس حقیقی، همان همدن شدن آمیخته با عشق و علاقه گرم و ناگسستنی است. که از تباط و پیوند انسان را به آنچه مورد انس اوست، محکم و متصل می‌کند. چنین انسی با خدا و کلام خدا از ویژگی‌های اولیای خدا و هر مؤمن عارف و وارسته است. چنانکه امیر مؤمنان علی (ع) در مقام دعا می‌گویند: «اللَّهُمَّ اِنِّکَ اَنْسُ الْاَنْسِیْنَ لِوَالِیائِکَ … انْ اَوْحَشْتَهُمُ الْعُرْبَةَ اَنْسَهُمْ ذِکْرَکَ»؛ خدایا! تو برای اولیا و دوستان خاصت، مأنوس‌ترین مونس‌ها هستی… اگر غربت آنها را به وحشت اندازد، یاد تو مونس تنهایی آنهاست.

ماه رمضان تجلّی‌گاه قرآن

پیامبر(ص) در فرازی از خطبه شعبانیه می‌فرماید: «قرآن، روح ماه رمضان است که در کالبد آن دمیده شده و ارزش و عظمت

آن را چند برابر کرده است. قرآن، قلب ماه رمضان است که بدون این قلب و ضربان آن، جوهره حقیقت در رگ‌های حیات معنوی روزه‌داران به جریان نمی‌افتد.»

ایشان همچنین می‌فرمایند: «ماه رمضان ماهی است که شما در آن به مهمانی خداوند دعوت شده‌اید… کسی از شما که یک آیه قرآن را در این ماه بخواند، پاداشش معادل ختم قرآن در ماه‌های دیگر است.»

در دعاغای هر روزه ماه رمضان نیز که از رسول خدا(ص) نقل شده، سخن از قرآن و انس با آن، به‌منزله کتاب ارشاد و هدایت بسیار به میان آمده است. در فرازی از دعای روز دوم می‌خوانیم: «لِلَّهِمَّ وَفَقْنِ فِیهِ لِقَائِهْ اَیَّاتِکَ»؛ خدایا مرا در این روز برای قرائت آیات قرآن، موفق کن.». واژه تلاوت در اصل از «تَلَوُ و تالی» است که به معنای دنباله‌روی و پیروی تگاتنگ و بدون هرگونه درنگ و فاصله است. روشن است که چنین توفیقی جز در پرتو انس حقیقی با قرآن به دست نمی‌آید.

قرائت قرآن

قرائت به معنای خواندن است و لفظ «قرآن» نیز از آن مشتق شده است. باید دانست که قرائت یا مطالعه تفاوت دارد. در مطالعه تنها وجود ذهنی مکتوب حاصل می‌شود؛ ولی در قرائت افزون بر وجود ذهنی، وجود لفظی مکتوب نیز ملحوظ است و باید متن موردنظر از طریق مخارج حروف و دهان و زبان ادا شود. درباره قرآن، قرائت ادای حروف و کلمات از مخارج آن و به وسیله زبان و دهان موضوعیت دارد. قرائت قرآن امری ممدوح و مطلوب است و قرآن خود به آن دستسور داده است. طبق این دستور هر مقدار که برای انسان میسور شود و فراهم باشد، باید قرآن قرائت کند: «فَاقْرَءُوا ما نَیَسِرَ مِنَ الْقُرْآنِ».

این آیه شریفه درباره پیامبر و یاران او است که ساعت‌های بسیاری از شب را بیدار می‌ماندند و به خواندن نماز و قرائت قرآن می‌پرداختند. در این آیه خداوند آنها را از این امر معاف می‌دارد و از آنها می‌خواهد که به اندازه توان خود قرآن بخوانند. اکنون باید دید که اندازه میسور چقدر است؟ صاحب «مجمع‌البیان»، اقوال مختلفی در این‌باره نقل می‌کند؛ بعضی‌ها آن را پنجاه آیه و بعضی‌ها صد آیه و بعضی دوست آیه و بعضی‌ها ثلث قرآن دانسته‌اند و در روایتی از امام صادق(ع) چنین آمده است: «الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ اِلَیْ خَلْقِهِ فَقَدْ یَنْبَغِیْ لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ اَنْ یَنْظُرَ فِی عَهْدِهِ وَ اَنْ یَقْرَأَ مِنْهُ فِی کُلِّ یَوْمٍ حَمْسِیْنَ اَیَّهً». قرآن عهد و فرمان خداوند بر خلق او است پس بر هر فرد مسلمانی شایسته است؛ که در عهد خداوند نگاه کند و روزی پنجاه آیه بخواند.

گزارشی از یک جشن در بیمارستان بقیه‌الله‌الاعظم(عج)

افتخاری بر سینه سپاه

حسن ابراهیمی

به‌منابه نقطه درخشش این بیمارستان شناخته می‌شود تکیه‌گاه‌های معنوی و انگیزه‌های درونی است که با ارزش‌های حرفه‌ای درآمیخته و ترکیبی حیات‌بخش را به وجود آورده است.»

جانشین فرمانده کل سپاه در پایان در زمینه کسب عناوین برتر بیمارستان بقیه‌الله(عج) در سطح بیمارستان‌های کشور خاطرنشان کرد: «قرار گرفتن این بیمارستان که متبرک به نام حضرت بقیه‌الله‌الاعظم(عج) است در جمع پنج بیمارستان برتر کشور و حفظ و استمرار این رتبه در سال‌های متمادی با تلاش و ممارست مدیریت و کارکنان بیمارستان بقیه‌الله(عج) حاصل شده و این تصریح قرآن است که برای انسان‌ها نیست مگر آنچه برای آن تلاش کرده‌اند و امیدواریم این مسیر متعالی همچنان تداوم داشته باشد.»

سنجده‌های پیچیده برای اعتباربخشی

دکتر علیرضا جلالی، رئیس بیمارستان بقیه‌الله‌الاعظم(عج) در ابتدای این مراسم گزارشی از وضعیت بیمارستان و همچنین استمرار کسب رتبه درجه یک عالی برای دهمین سنال پیاپی داد و گفت: «اعتباربخشی بحثی در رابطه با بررسی سیستماتیک در حوزه بهداشت و درمان است که طی یک فرآیند پیچیده بر اساس معیارهای کیفیت و ایمنی برای بیماران سنجیده می‌شود.»

وی افزود: «استانداردهای کیفیت‌بخشی که بازرسان وزارت بهداشت آن را بررسی می‌کنند به روز است و امسال برای دهمین سال پیاپی این بیمارستان موفق شده در ردیف بیمارستان‌های درجه

هفته نامه سیاسی،فرهنگی و اجتماعی
دوشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۵ / ۳۰ شعبان ۱۴۳۷/شماره۷۵۲

نقطه‌نظر

سالی که نکوست از رمضاننش پیداست

علامه عبدالله جوادی آملی

برای گروهی اول فروردین آغاز سال است. یک جوان اول فروردین تلاش می‌کند تا برای خود لباس نو تهیه کند. درخت‌ها اول سال‌شان فروردین است که لباس‌های نو بر تن می‌کنند. اول سال کشاورز پاییز است که درآمد مزرعه را حساب می‌کند. مرحوم سیدبن‌طلووس می‌گوید: اهل سیر و سلوک، اول سال‌شان، ماه رمضان است. حساب‌ها را از ماه مبارک تا ماه مبارک بعد بررسی می‌کنند که ماه مبارک رمضان گذشته چه درجه‌ای داشته و امسال در چه درجه‌ای هستند.

ابن طلووس نقل کرده است که امام‌علی(ع) فرمودند: «سالی که نکوست از رمضانش پیداست» و این جمله که سالی که نکوست از بهارش پیداست، صحیح نیست؛ چراکه ما تنها بدن نیستیم و میان این دو تفاوت بسیار است. نکته دیگر اینکه بهار همیشه یکسان نیست؛ چراکه گاهی بر باران و گاهی کم باران است؛ اما این جمله که «سالی که نکوست از رمضانش پیداست»، درست است؛ زیرا ماه رمضان همیشه برنعمت است.

دریافت و نشر حقایق از وظایف علمای دین است و باید برای تحقق آن تلاش کنند.

دعوت به مهمانی از برکات ماه مبارک رمضان است، حج سبزمین صفیات است و حاجیان نیز جزء صفیوالرحمان هستند و علما باید در این ماه جوان و پیر را که مهمان این ماه هستند، مطابق با آیات و روایات هدایت کنند. ماه رمضان مهمانی متقابل هم دارد و ما می‌توانیم با قلب شکسته میزبان حضرت حق باشیم.

در اوایل دعای افتتاح آمده است: خداوندا همیشه «نیاز» نیست؛ بلکه می‌توان «تلا» هم کرد و از صفت ارحم‌الرحیمینی خدای متعال استفاده کرد. باید صفت رحمانیت خداوند متعال را به جامعه منتقل کنیم، استغفار‌های ما نیازی است که از درگاه خدای متعال داریم؛ اما نباید از نازها غفلت کنیم؛ چراکه در آخرت می‌توانیم محضر حضرت حق بگوییم که حال ما گناه کردیم؛ ولی شما که بزرگید، چرا نمی‌بخشید؟ اینها نازی است که می‌توانیم انجام دهیم.

جمع میان لطف، مهر و غضب حضرت حق از مباحثی است که علمای دین و مبلمان باید به آن توجه داشته باشند و با سخنان خود توازن و تعادل ایجاد کنند.

نسخون هنر نیست؛ بلکه رسیدن به «عندملیک مقتدر» هنر است. علمای دین، نیابان اهل بیت(ع) در ابلاغ دین هستند و باید همانند امیر بیان، سخن را در جایی بگویند که فضا مهیاست؛ چراکه گاهی بیان برخی از سخنان، جا ندارد.

باید تمام مباحث دینی، همچون لطف و غضب خدای متعال، با هم بیان شوند؛ چراکه بیان لطف به تنهایی برای برخی از اشخاص غرور و بیان غضب به تنهایی برای برخی از انسان‌ها ناملیدی را به همراه خواهد داشت. باید انقلاب را حفظ کنیم؛ میدان انقلاب در فرهنگ اسلامی علی(ع) و اولاد علی(ع) است و باید حول محور این بزرگان گرد بیاییم.

یک عالی قرار داشته باشد.»

جزو پنج بیمارستان اول از میان ۸۵۰ بیمارستان

جلالی تأکید کرد: «تفاوت امسال با سال‌های گذشته این است که امسال با سختگیری‌ها و دقت‌های بالا تنها پنج بیمارستان از بین ۸۵۰ بیمارستان موفق شدند طی سه مرحله به این درجه دست پیدا کنند، در حالی که سال‌های گذشته این تعداد بیش از ۱۰۰ بیمارستان بوده است.» وی در ادامه گفت: «رزبایی اعتباربخشی ۲۰ محور دارد که از بالاترین سطوح تا جزئی‌ترین سطوح بیمارستان را شامل شده و همه کارمندان و همکاران در بیمارستان شاهد کار بازرسان وزارت بهداشت بوده‌اند. این یک معیار استاندارد جهانی و در واقع یک افتخار برای مجموعه بیمارستان، دانشگاه و سپاه محسوب می‌شود و امید داریم این مسیر تداوم داشته باشد و بتوانیم بر اساس چشم‌اندازهای دانشگاه و بیمارستان به اهداف عالی انقلاب برسیم.»

وی در پایان به کسب رتبه برتر پژوهشی بیمارستان بقیه‌الله(عج) در میان بیمارستان‌های کشور هم اشاره کرد.

تقدیر از مسئولان

در پی کسب گواهینامه اعتباربخشی درجه یک عالی بیمارستان بقیه‌الله(عج)، برای دهمین سال پیاپی سرلشکر جعفری، فرمانده کل سپاه با صدور تقدیرنامه‌های جداگانه‌ای از تلاش‌های سردار سرتیپ دوم پاسدار دکترجعفر اصلانی، فرمانده دانشگاه و دکتر علیرضا جلالی ریاست بیمارستان بقیه‌الله‌الاعظم(عج) تقدیر کرد. این تقدیرنامه‌ها با دستان سردار سلامی به سردار اصلانی و دکتر جلالی اهدا شد. همچنین رئیس بیمارستان بقیه‌الله‌الاعظم(عج) از تمامی عوامل مؤثر در کسب این رتبه، با اهدای جایزه و لوح سپاس تقدیر کرد.

قبیله آفتاب



شما که راضی هستید؟

آبان ماه ۹۳ بود که حاجی به من گفت: ثبت‌نام کردم برای اعزام به سوریه، ولی هنوز فرماندهی اجازه نداده، شما که راضی هستید؟ گفتم: اگر بگویم راضی نیستم چه می‌گویید؟ گفت: پس معلوم شد که مرا دوست نداری؛ از شما که یک زن صبور و مقاوم هستید بعید است. همین صحبتش باعث شد که راضی شوم.

به روایت همسر شهید مدافع حرم «حاج‌عبدالکریم اصل‌غواش»

در سال ۱۳۴۸ در حصیرآباد اهواز به دنیا آمد. در سن ۱۱ سالگی فعالیت فرهنگی خود در مسجد امام محمدباقر(ع) را آغاز کرد و همین زمان بود که جنگ تحمیلی آغاز شد. سال سوم دبیرستان بود که تصمیم گرفت به جبهه برود. بعد از گذراندن دوره‌های آموزشی به گردان امیرالمؤمنین(ع) پیوست و در عملیات‌های نصر ۸ و والفجر ۱۰ شرکت داشت تا اینکه از ناحیه دو پا مجروح و هم‌زمان شیمیایی شد؛ برای مداوا مستقیم از جبهه به لاهیجان اعزام شد و پس از بهبودی و ترخیص تا اواخر جنگ دوره‌های درمان را گذراند. بعد از جنگ در سپاه پاسداران استخدام شد و به گردان جعفر طیار تیپ یکم حضرت حجت(عج) پیوست. دوره‌های زرهی و تخصصی تعمیرات تانک را گذراند، بود، اما به دلیل آثار جراحی‌تی که در کمر و پا داشت به اصرار مسئولان در قسمت فرهنگی مشغول به فعالیت شد. سال ۶۸ بود که با دختر عمویش ازدواج کرد. پس از فراغت از کار سپاه تصمیم گرفت در حوزه مشغول تحصیل شود. دلبستگی به مال دنیا نداشت. راوی دفاع مقدس و فرمانده پایگاه مقاومت بسیج شهید نریمی و مسئول هیئت امنای مسجد امام علی(ع) حصیرآباد بود. هنگام اعزام به سوریه در روابط عمومی حوزه نمایندگی و پیش از آن در سمت‌های فرهنگی و زرهی تیپ زرهی حضرت حجت(عج) فعالیت داشت. در سوریه با سمت کارشناس زرهی تعمیرات تانک‌ها را بر عهده داشت. حاجی ۱۹ خرداد ۹۴ اعزام شد. در نهایت روز جمعه آخر ماه مبارک رمضان (۱۹ تیر ۱۳۹۴) در حالی که برای تعمیر تانکی که در منطقه عملیاتی خراب شده بود اعزام می‌شود، بعد از اتمام کار هنگام بازگشت به همراه سه نیروی سوری در تله انفجاری تکفیری‌ها گرفتار شده و به شهادت می‌رسد. پیکرش سه‌شنبه ۲۷ تیر ۹۴ به اهواز منتقل شده و باشکوه تشییع می‌شود.